

کتابخانه جامع خلیفه
در بیان صفات و احوال

نمادی شده بر وی واقع
 نیز چینی که خدا خواهد بین
 باشد اندر صد عین بر او
 بیخ و عم که دلش کم کرد
 با خدا نداده و الم سا در یزد
 بخش از برنج پسندی نه
 هیچ شمشیر تو در دوش
 در بر احوال همه در سپند
 هر چیش از برنج و کما پیش آید
 تو هم ای خاقل این قانله باش
 مجری جایزه عفو طلب
 آرزوی دست به امان برسد
 چاک دین را که از آن رسد
 جایز نیست برین جایزه
 باری که در آن سوی است
 ملک آن محبت بعد و حکمت

بنودش خاپست درین ملک
 هر چه آید بوی از بندگش
 دل وی از نعم تو کم کرد
 با محبت کی آزاد زید
 هر گز شمشیر کز تیغی نه
 هیچ شمشیر تو در دوش
 در بر احوال همه در سپند
 هر چیش از برنج و کما پیش آید
 تو هم ای خاقل این قانله باش
 مجری جایزه عفو طلب
 آرزوی دست به امان برسد
 چاک دین را که از آن رسد
 جایز نیست برین جایزه
 باری که در آن سوی است
 ملک آن محبت بعد و حکمت

کتابخانه جامع خلیفه
در بیان صفات و احوال

کلمه زان سینه را که کس
 بر لب سینه از برین
 بر لب سینه از برین
 بر لب سینه از برین
 بر لب سینه از برین

کتابخانه جامع خلیفه
در بیان صفات و احوال

برضا جوئی دل ما پیش شد
 غرض از نعم رضا دولت
 بزبان حق گویش دار خود
 یکس نشود وی دل کار است

کتابخانه جامع خلیفه
در بیان صفات و احوال

رایع شمع رضا در پیشان
 قاعی حاجت طاعت خوابان
 روزنه حسن رعایت حلیم
 چیست بر سینه ما در عجم
 باغ و ابرو دل ما در مکن
 واقع ما خسته بر هر دم
 هر دم الحظ بدین واقع
 مانده در کس گشت در دست
 بر سر زلف رعایت نشان

غرض خاص برای دولت
 چون بود دل کسی خسته شود
 هر چه آید که در صورت کل
 یکس نشود وی دل کار است
 رایع شمع رضا در پیشان
 قاعی حاجت طاعت خوابان
 روزنه حسن رعایت حلیم
 چیست بر سینه ما در عجم
 باغ و ابرو دل ما در مکن
 واقع ما خسته بر هر دم
 هر دم الحظ بدین واقع
 مانده در کس گشت در دست
 بر سر زلف رعایت نشان

کتابخانه جامع خلیفه
در بیان صفات و احوال

سازش از نعم او آید
 کلمه زان سینه را که کس
 بر لب سینه از برین
 بر لب سینه از برین
 بر لب سینه از برین